



A study and critique of the doubt of banning the freedom of preaching in the holy quran, according to the book “critique of the quran”

Ghasem Mohseni Mari¹

Abstract

Throughout the history of Islam, the ill-wishers have been casting doubts about the transmission of the Quran at different levels of descriptive and recommendatory propositions as much as possible, with different accusations like being quoted from previous texts, lack of miracles, lack of compatibility with modern science, and so on. Such doubt-casting was intended to make the Quranic teachings and thoughts unidentified. The response of the revelatory text and the religious believers over the time was due to the suggested methods of the doubters. In the modern world, with the discovery of new components in line with the human-centered discourse circle, such as freedom and its incompatible categories with belief, expression and opinion, some doubt-casters have claimed its absence in the Holy Qur'an. The author of the book “Critique of the Quran” using anthropocentric thought and liberal vision, has denied the existence of the freedom of non-Muslim preaching under the Islamic rule. However, the expansion and dissemination of Islamic culture through propaganda activities with behavioral and normative modeling of desirable teachings and prevention of anomalies in line with the negation of harm in the process of human perfection is based on the propositions of the Islamic religion. The present research, with a critical approach to the text of the book “Critique of the Quran” and with a descriptive and analytical method, has searched for the author's neglecting of the freedom of preaching in the discourse system of the Holy Qur'an, and emphasized the existence of this component in the revealed text, and accordingly, it reached the conclusion about this kind of prohibition in the revealed text to be pointless.

Keywords: Preaching, Holy Quran, Freedom of Preaching, Religious Preaching, the Book “Critique of the Quran”.

¹ Graduated from Doctorate in Hadith Science and Quran, Payam Noor University, Tehran; Iran | goshadandish@gmail.com



نقد و بررسی شبهه ممنوعیت آزادی تبلیغ در قرآن کریم در کتاب نقد قرآن

قاسم محسنی مری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

چکیده

در طول تاریخ اسلام شبهه پردازان در باره روایت های قرآنی در سطوح متفاوت گزاره های توصیفی و توصیه ای به طور جداگانه، با گونه های متفاوت برگزینی یا اقتباس از متون پیشینی، فقدان اعجاز، عدم تناسب با علم روز و غیر آن از سوی بدخواهان پی گیری شد. چنین شبهه پردازان به منظور بی هویت نمایاندن آموزه ها و گزاره های قرآن کریم بود. پاسخشگویی متن وحیانی و باورمندان دینی هم در توالی زمانی، به لحاظ روشی همبسته با شیوه های ادعایی شبهه پردازان بود. در دنیای نوین با پیدایی مؤلفه های جدید در پیوند با دایره گفتگویی انسان محورانه همانند آزادی و گونه های ناهمسان آن با سویه باور، بیان و عقیده، برخی از شبهه پردازان به نبود آن در قرآن کریم دامن زده شد. نویسنده کتاب نقد قرآن با روی آوری به اندیشه انسان محورانه و بینش لیبرالی، بودگی آزادی تبلیغ غیر مسلمانان را در حاکمیت اسلامی منکر شد. حال آن که گسترش و انتشار فرهنگ اسلامی از طریق فعالیت های تبلیغی با الگوسازی رفتاری و هنجاری آموزه های مطلوب و بازداشتن ناهنجاری ها در راستای نفی آسیب ها در فرایند کمال آدمیان برپایه گزاره های دین اسلام است. پژوهش حاضر با رهیافتی انتقادی به نوشتار کتاب نقد قرآن و با شیوه توصیفی و تحلیلی، نادیده انگاری نویسنده را در برداشت آزادی تبلیغ در نظام گفتگویی قرآن کریم، پی جویی نموده، وجود یا بودگی این مؤلفه را در متن وحیانی تأکید کرده و نتیجه گیری وی درباره ممنوعیت آن در متن وحیانی را بی وجه دانسته است.

واژه های کلیدی: تبلیغ، قرآن کریم، آزادی تبلیغ، تبلیغ دینی، کتاب نقد قرآن.

^۱. دانش آموخته دکتری علوم و قرآن حدیث، دانشگاه پیام نور تهران؛ ایران | goshadandish@gmail.com

۱. مقدمه

سامان‌دهی و تنظیم زیست اجتماعی افراد انسانی در پیوند با نظام گفتمانی و بنیان‌های هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ویژه است. قرآن کریم با محوریت توحید و مبانی همبسته به آن موجودیت و هویت انسان را خوانش کرده، روابط انسانی را در ساحت‌های مختلف (ارتباط با خدا، خود، دیگری و هستی) در آن راستا سازگار نموده که در تفاوت بنیادین با مبانی و عقلانیت انسان مدرن قرارداد دارد. آزادی تبلیغی قرآن (احزاب/۳۹؛ اعراف/۶۲؛ جن/۲۸؛ نحل/۳۵) نیز هم‌راستا با گفتمان و مؤلفه‌های آن، تلاشی آگاهانه (Understanding)، سازمان یافته و اقناعی به منظور تغییر نگرش‌ها (Change of attitude) و رفتارها (نیک‌گهر، ۱۳۷۱: ۱۹۳) است. هدف نهایی تبلیغ دینی در ساحت‌های فردی و اجتماعی آدمیان، توجه و جذب (Attention & attraction)، فهم و درک (Knowledge)، درونی‌سازی (باور) (Belief)، تغییر نگرش‌ها و رفتارها (رضایتی) (Satisfactory) مراقبتی (Caring behavior) و مروجانه (Extensional behavior) افراد با شیوه‌های مؤثر و مشروع در جهت تبدیل شدن آن آموزه دینی به هنجار اجتماعی، تثبیت و عینیت‌یافتگی در روند زیست مردم است (سپنجی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

در گفتمان قرآن کریم نیز فراخوانی‌ها با هدف بینش توحیدی، عدالت، اصول حاکم بر اندیشه و سیره پیامبر (ص)، نفی باطل و شرک و گمراهی انجام شده و در گام بعدی به عنوان برنامه اصلی و جهان‌بینی مکتب اسلام از مؤلفه‌های تکلیفی مؤمنانه هم دانسته شد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). فرایند تبلیغی آموزه‌های وحیانی در طول تاریخ اسلام به منظور هدایت‌کنندگی و برپایه حقیقت‌جویی به گونه توصیفی و تبیینی با شیوه‌های پویا و اثربخش مبتنی بر موعظه حسنه با تکیه بر مبانی فطری با گونه‌های تشویقی و لنداری برای پذیرش حاکمیت الهی به عنوان تنها راه رسیدن به رستگاری دنیا و آخرت پی‌گیری شد و تلاش گردید با تبلیغ گزاره‌های دین اسلام الگوی رفتاری در پهنه زیست اجتماعی برای تنظیم مناسبات ایجاد گردد (جعفریان، ۱۳۶۷: ج ۲: ۶۷-۶۹؛ غفوری، ۱۳۸۷: ۷۸؛ جمشیدی، ۱۳۹۰: ۳۰۳) البته در طول تاریخ اسلام کوشش مروجانه تبلیغی دانشوران اسلامی با سویه‌های متفاوت قابل یادآوری است.

آزادی‌ها در گستره باور، اندیشه، بیان، تبلیغ و تغییر دین در مفهوم امروزی آن بخشی از نوگرایی فکری و سیاسی در شکل فلسفه، فرهنگ و تمدن نوین می‌باشد. این مفهوم در راستای بازشناخت نوین از مفهوم انسان در نظام اجتماعی و بهره مند از حق شهروندی و حقوق اجتماعی براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ است. نویسنده کتاب نقد قرآن با بهره مندی از مواد (۱۸ تا ۲۱) اعلامیه حقوق بشر برپایه آزادی‌های عمومی و حقوق سیاسی شهروندان در پی گسترانیدن خواسته‌های برآمده از بینش لیبرالی، به نقد آزادی‌های قرآن از جمله آزادی تبلیغات پرداخته است. با توجه به این که مفاهیم (concept) زبانی در گستره گفتمان‌ها دارای تصورات و برداشت‌های (conceptions) متعددی است^۲ برداشت وی از مفهوم آزادی تبلیغ نیز در گفتمان لیبرال برآمده از انسان‌شناسی و زاویه دید ویژه است. نویسنده کتاب نقد قرآن با دیدگاه انسان‌محورانه و مبانی آن تلاش نمود ساختار و شیوه حکومت اسلامی از جهت همکنشی مسلمانان در آزادی تبلیغی برای تشکیل اجتماعات و مشارکت در اداره امور عمومی کشور را بی‌اثر جلوه دهد و در گامی دیگر این حق را برای غیر مسلمانان از جانب حاکمیت دینی ممنوع دانست.

براین اساس پرسش‌های این جستار بنابر نوشتار کتاب نقد قرآن درباره آزادی تبلیغ صورتبندی می‌شود:

الف: آزادی تبلیغ در قرآن کریم و لیبرال به چه معناست؟

ب: محدودیت‌های آزادی تبلیغ در نظام گفتمانی قرآن کریم چیست؟

ج: ملاک تعیین کننده محدودیت‌های آزادی تبلیغ در نظام گفتمانی قرآن کریم

چیست؟

فرضیه این پژوهش آن است که خداوند به عنوان آفرینشگر هستی، همه ساحات وجود آدمی از جمله به خواسته آزادی انسان توجه کرده و قواعد متناسب با آن را وضع نموده است. روش پژوهش با توجه به تلاش نویسنده کتاب نقد قرآن در اثبات خطا و ضعف در آموزه‌های وحیانی، رهیافتی انتقادی به گزاره‌های نویسنده در محدوده آزادی تبلیغ دینی غیرمسلمانان در

^۱ . نظریه حقوق بشر یا حقوق بنیادین انسان‌ها نخستین بار در قالب یک اعلامیه جهانی در دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در غرب تدوین شد.

حاکمیت اسلامی پرداخته و با شیوه توصیفی و تحلیلی نادیده‌انگاری نویسنده را بیان نموده و نتیجه‌گیری وی را در این راستا بی‌وجه دانسته و در نهایت دلیل چنین مواجعت بیان شد.

۲. پیشینه تحقیق

نوشتار در زمینه تبلیغ در قرآن با سویه‌های متفاوتی است. نوشته‌های «اسلوب الدعوة فی القرآن از فضل الله؛ «الدعوة الاسلامیة: اصولها و وسائلها» از احمد احمد غلوش؛ «منهج الانبياء فی الدعوة الی الله فیة الحکمة و العقل» از ربیع بن هادی المدخلی؛ «الدعوة الی الله تعالی: دراسة مُستوحاة من سورة النحل» از عبدالرب نواب الدین آل نواب؛ «مع الانبياء فی القرآن الکریم: قصص و دروس و عبر من حیاتهم» نوشته عقیف عبدالفتاح طباره که به شیوه و ساختار تبلیغ در قرآن پرداختند. برخی از نوشته‌ها با نگره وجود تبلیغ در اسلام نگارش یافتند. کتاب‌های «وجوب تبلیغ الدعوة: فضل الدعوة و الدعاء» از عبدالله ناصح علوان و «مع الله: دراسات فی الدعوة و الدعاء» از محمد غزالی با این شیوه نگرشی سامان یافتند. نوشتار با رهیافت ضرورت تبلیغ در زمانه کنونی، کاستی‌ها و بایستگی‌های آن با توجه پیشرفت‌های بشری در حوزه تبلیغات از جانب برخی همانند محمد رشیدرضا، مفتی محمد شفیع، ابوالاعلی مودودی مؤسس جماعت اسلامی پاکستان، وهبه زحیلی، عبدالقادر عوده، محمد غزالی، سیدمحمد شیرازی، مرتضی مطهری، سیدموسی صدر و سیدمحمدحسین فضل الله پی‌گیری شد.

باتوجه به نوشته‌های یادشده در گستره تبلیغ و ضرورت آن در زمان کنونی، نوشتاری درباره ممنوعت تبلیغ دینی غیرمسلمانان در درون حاکمیت اسلامی با سویه انتقادی به کتاب نقد قرآن سامان نیافته است.

۳. تعریف مفاهیم

برای بررسی و نقد شبهه^۱ ممنوعیت آزادی تبلیغ در کتاب نقد قرآن، در آغاز مفاهیم تبلیغ و آزادی از جهت لغوی و اصطلاحی و برداشت‌های ناهمسان آن در رهیافت گفتمانی متفاوت بازبینی می‌شود.

۳-۱. بررسی مفهوم تبلیغ

واژه تبلیغ از بلغ به معنای رسیدن، رساندن پیام (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۹۰؛ الراغب، ۱۳۷۷: ۵۸) و آوازه‌گری^۲ (خندان، ۱۳۷۴: ۱۵-۱۷) برابر با اصطلاح‌های عربی؛ اعلام، دعایه، دعوت، اعلان و انگلیسی advertising, mission, propaganda است^۳ (خندان، ۱۳۷۴ ش: ۱۷-۴۵). تبلیغ در معنای دینی معادل واژه دعوت بوده و از جهت محتوایی با واژگان وعظ و خطابه هم مضمون است که ابتدا برای امور دینی و سپس در حوزه‌های دیگر به کار گرفته شد (حداد عادل و دیگران، ۱۳۸۱ ش، ج ۶: ۴۴۸) این واژه در قرآن کریم به صورت مصدری "تبلیغ" نیامده، بلکه با صورت‌بندی فعلی «بَلَّغْتَ» (المائده/۶۷)، «أُبَلِّغُكُمْ» (الاعراف/۶۲، ۶۸؛ الاحقاف/۲۳)، «يُبَلِّغُونَ» (الاحزاب/۳۹)، «بَلِّغْ» (المائده/۶۷) و «يُبَلِّغُونَ» (الاسراء/۲۳) آمد. واژه بلاغ و ابلاغ نیز در معنای تبلیغ در جایگاه تأکید بر وظیفه پیامبران در قرآن آمده است. مفهوم تبلیغ در قرآن تنها در معنای لغوی به کار رفته و برداشت از آن در تصورات اصطلاحی امروزی برآمده از درهم آمیزی مفهوم لغوی و اصطلاحی آن است که درست به نظر

۱. شبهه برگرفته از شبه در معانی، همانندی و مثل (ابن منظور، ۱۹۷۰ ق، ج ۱۳: ۵۰۳)، پیچیدگی، ابهام و شک (مختار عمر، ۱۴۲۹ ق، ذیل واژه اشتبه) که شباهت میان دو چیز سبب پیچیدگی شد (رازی، ۱۹۸۶ م: ۱۳۸؛ قونوی، ۱۴۰۷ ق: ۲۸۱؛ زرکشی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۶).

۲. نخستین بار ملک الشعرا بهار آن را در برابر propaganda (پروپاگاندا) در معنای توسعه روشمند ترویج اطلاعات یا اطلاعات نادرست، برای حمایت از عقیده‌ای سیاسی یا مذهبی با هدف تلقین نگرش‌ها یا واکنش‌های خاص به کار برد (خندان، ۱۳۷۴ ش: ۱۵-۱۷).

۳. تبلیغات از جهت گوناگونی در زیست اجتماعی نوین متنوعند تبلیغات بازرگانی به گونه اطلاع‌رسانی پیام‌ها به صورت دیدنی و شنیدنی در پی واداری افراد به خرید کالا و خدمات، (اربابی، ۱۳۵۰ ش: ۱۹) تبلیغات سیاسی یا پروپاگاندا تلاشی سامان یافته برای شکل دادن به ادراک‌ها، ساختن یا دستکاری کردن شناخت‌ها و هدایت رفتار برای دستیابی به یک پاسخ است (جاوت و ادانل، ۱۳۷۲ ش: ۴۰-۳۹).

نمی‌رسد (حداد عادل و دیگران، ۱۳۸۱ ش، ج ۶: ۴۴۸) واژگان در پیوند با مفهوم تبلیغ در قرآن کریم دعوت، هدایت، انذار، تبشیر، وعظ، امر به معروف، نهی از منکر، رسالت، تعلیم، ارشاد، قول، بیان، ذکر، تَوَاصی، تلاوت و قرائت است.

این مفهوم در اصطلاح دینی، رساندن، شناساندن و آگاه کردن پیام دینی به مردم جهت باوراندن، متمایل ساختن و جلب نظر آنان به آموزه‌های دین است (مطهری، ۱۳۶۱ ش: ۲۱۰) تبلیغ در گستره غیردینی (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) نوع ارتباط اقناعی برای تغییر نگرش‌ها و ایجاد تغییرات مطلوب در افکار عمومی با شیوه‌های مؤثر و ابزار مشروع در جهت رسیدن به اهداف مشخص است (سپنجی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۲) در ادامه تبلیغ مجموعه تلاش منظم و فراگیر برای تأثیر قرارداد عقاید، نگرش‌ها و رفتار دیگران با یاری نمادها، واژگان، اشارات، موسیقی، فیلم و غیر آن است (افتخاری، ۱۳۷۷ ش: ۱۲۵).

۳-۲. بررسی مفهوم آزادی

واژه آزادی معادل واژگان freedom به معنای رهایی و عدم مانع در امور عینی و انضمامی و liberty در معنای اختیار و عدم تعصب در امور انتزاعی و ذهنی است. واژگان Liberal (آزاداندیشی) و Liberalism (مکتب آزادیخواهی) برگرفته از Liberty است (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۳۲) این مفهوم در اصطلاح دارای تعاریف متعدد است. برخی آن را بر توانایی فاعل در انجام و خودداری از فعل تعریف نمودند به گونه‌ای که احساس نشود نیروی خارجی آدمی را مجبور به آن نماید (دکارت، ۱۳۶۱ ش: ۹۳) در بیانی دیگر، آزادی قوه‌ای دانسته شد که ذهن آدمی با اراده‌اش آن را انجام دهد (کرنستون، ۱۳۵۹ ش: ۳۱) چنین تعریفی در آثار متکلمان اسلامی هم دیده می‌شود (حلی، بی تا: ۱۸) قدیمی‌ترین تعریف از آزادی با معیار فعل آزاد، استقلال فاعل و رفع موانع بیرونی همراه با آگاهی و دانش فاعل است (ارسطو، ۱۳۸۱ ش، ج ۱: ۶۴؛ ولفسن، ۱۳۶۸ ش: ۷۹۱) در تعریفی دیگر، خود مجبور سازی با آزادی ناسازگار نبوده؛ زیرا فاعل خود را به نوعی به وادی جبر می‌کشاند و جبر از سوی عامل بیرونی نبوده بلکه فرد خود را به انجامی کاری وا می‌دارد (ایان باربور، ۱۳۶۲ ش: ۳۴۲) که در پندار برخی از دانشوران اهل سنت از آن به عنوان جبر ذاتی یاد می‌شود (محمود، ۱۹۷۳ ش: ۱۱ - ۲۳) به نظر می‌رسد آزادی در اصطلاح پیشینیان دارای سویه حقوقی و اخلاقی بوده، محتوای

سیاسی و اجتماعی نداشته و به طور کلی، حاکمیت افراد انسانی بر رفتار و سرنوشت خود دانسته می‌شد (رابرتسون، ۱۳۸۵ش: ۱۰۷) در گامی فراتر، ایزا برلین^۱ آزادی را به نبود موانع در راه تحقق خواسته‌ها در دوسویه مثبت و منفی بازخوانی نمود^۲ (برلین، ۱۳۹۲ش: ۴۶؛ نویمان، ۱۳۹۰ش: ۶۸) در نگاه وی آزادی مثبت، چیرگی بر نفس و رهایش از خواهش نفسانی که راهی برای دور ماندن از فساد و مقاومت در برابر قدرتهای دنیایی است (برلین، ۱۳۹۲ش: ۴۶ - ۲۳۶) رهایش آدمی از خشم، شهوت، طمع و حرص و همانند آن در متن وحیانی هم آمده است: «أَفَرَأَيْتُ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خودش را خدای خودش قرار داده است» (جائیه/ ۲۳).

سویه دیگر، انگاره آزادی منفی است که در معنای بازداري و جلوگیری از محدودیت‌هایی است که از ناحیه دیگران و به صورت عینی و انضمامی در گستره سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی بر آدمی تحمیل می‌گردد (لیدمان، ۱۳۸۴ش: ۲۶) این خوانش از آزادی با ماهیت دنیایی، در برابر گفتمان اسلامی قرار دارد که آزادی لازمه وجودی انسان و حقوق انسان به شمار آمده: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ یعنی بنده دیگری مباش و حال آنکه خداوند تو را آزاد آفریده است» (دشتی، ۱۳۸۶ش، نامه ۳۱: ۵۳۳) و در معنای نبود مانع برای دستیابی به رشد و کمال معنوی دانسته شد (مطهری، ۱۳۶۶ش: ۱۴) در این نگره دین برای تأمین سعادت اخروی و قرب الهی بوده، سعادت و شقاوت آدمی در پیوند با پابندی نظری و عملی به آموزه‌های دین است (مصباح، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۶۱).

تصور نویسنده کتاب نقد قرآن از مفهوم آزادی بیان برگرفته از اعلامیه حقوق بشر بوده و بر اساس آن به نقد آموزه‌های قرآن کریم پرداخته است. مفهوم آزادی تبلیغ بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیامدی از نگره بیش لیبرال به انسان با ماهیت مادی در حوزه حق فردی

۱. Isaiah Berlin (۱۹۰۹-۱۹۹۷ م) اندیشه نگار و نظریه پرداز سیاسی، استاد دانشگاه و جستارنویس بریتانیایی است.

۲. این تعریف از سوی دکارت هم ارائه شده بود (Descartes, 1985, vol I: 204-205).

در نسبت به نظام اجتماعی و حق شهروندی^۱ است. آزادی در این گستره معنایی فقدان منع در امور زندگی است که بر پایه نظریه لیبرال است (نویمان، ۱۳۹۰ ش: ۶۸-۶۹).

۴. روند تبلیغ در قرآن

در گفتمان قرآن کریم، آموزه‌های دین اسلام جهانی، جاودان و فراگیر (انعام/۹۰؛ انبیاء/۱۰۷) و مایه هدایت همه آدمیان است (شوری/۵۲؛ بقره/۲). مؤمنان با بهره‌مندی از آموزه‌های آن، در پی گسترانیدن عدالت در جامعه هستند (حدید/۲۵). در این راستا تبلیغ در قرآن کریم برآمده از آموزه‌های خیر و معروف (آل عمران/۱۰۴؛ توبه/۷۱؛ حج/۴۰ — ۴۱)، مؤلفه‌های زمانی (طه/۵۹؛ توبه/۳) و زبانی (زمر/۲۸؛ زخرف/۳) با بن مایه‌های الهی است. در روی آوری قرآن، مبلغان پیام الهی افزون بر ویژگی‌های بینشی و آگاهی، از فرآیندها و فرآورده‌های آموزه‌های دینی (یوسف/۱۰۸)، کمال جویی (طه/۱۱۴)، اخلاص در کنشگری (الشعراء/۱۰۹)، امیدوار به وعده خداوندی (یوسف/۸۷)، از پشتکار (اعراف/۱۶۴) و شجاعت (احزاب/۳۹) بر خوردار هستند.

تبلیغ در روند ارتباط دارای مؤلفه‌های فرستنده پیام، پیام، وسیله ارتباطی برای تبلیغ، گیرنده پیام (خوانشگر)، زمینه (زمان و مکان تبلیغ) و مبانی و روش است. خداوند به عنوان فرستنده وحی و پیامبر (ص) هم به عنوان گیرنده نخستین وحی و تبلیغ‌گر آغازین وحی، پیام الهی را در قالب‌های گزاره‌های توصیفی و توصیه‌ای با شیوه‌های گوناگون به خوانشگران در صورت‌های فردی و جمعی، مؤمنان و غیرمؤمنان رسانده است (صقر، ۱۴۰۵ ق: ۲۰ — ۴۶؛ خندان، ش ۱۳۷۴: ۱۸۱ - ۱۸۲).

روش‌های تبلیغ در گفتمان قرآن در راستای توحید و رسالت الهی است. در این شیوه خداوند با بیدارگری عقل «وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم (العنکبوت/۳۵)، وجدان و اندیشه

^۱ . ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است». ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد» (جعفری، ۱۳۷۰ ش: ۲۳۰، ۲۳۶).

ورزی^۱ «الْحَسْبُ لَكُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَتَّكُمُ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؛ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید (المؤمنون/۱۱۵)، روی آوری به تجربه‌های تاریخی و سرنوشت گذشتگان^۲ «فَدَخَلْتُ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنًا فَمَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ»؛ قطعاً پیش از شما سنتهایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است (آل عمران/۱۳۷)، از برهان و استدلال، جدال احسن و پند و اندرز نیکو^۳ بهره مند گشته است «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّى عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شيوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگارت تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانایتر و او به [حال] راه یافتگان [نیز] دانایتر است (النحل/۱۲۵). افزون بر آن با کاربست تمثیل و تصویر سازی^۴ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعْضُهُمْ غَافِلٌ بَشْرًا مَّا بَعْضُهُمْ يَفْرُوهُ»؛ خدا را از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند (البقره/۲۶)، بازخوانی الگو و نمونه سازی^۵ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست (الاحزاب/۲۱)، یادکرد نعمت‌های خداوند^۶ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»؛ ای مردم نعمت خدا را بر خود یاد کنید (الفاطر/۳)، تدریج و آهستگی روند تبلیغ برای دریافت پیام و آموزهای الهی برای خوانندگان^۷ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا»؛ و کسانی که کافر شدند گفتند چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی [بر تو]

۱. التکویر/ ۲۶، الصافات / ۵۴، النساء / ۲۱.

۲. مریم / ۱۶، ۴۱: الروم / ۹.

۳. البقره / ۱۱۱، ۲۵۸؛ نک فضل الله، ۱۳۹۹، ص ۴۳ - ۵۸.

۴. المائده / ۳۱، العنکبوت / ۴۳، الحشر / ۲۱.

۵. الممتحنه / ۴، التحريم / ۱۰ - ۱۱.

۶. البقره / ۲۱ - ۲۲، ۴۷، الاحزاب / ۹، المائده / ۳۰.

۷. آیات ناظر به احکام تدریجی حرمت خمر، حرمت ربا و رعایت حدود حجاب (خندان، ۱۳۷۴ش: ۱۵ - ۵۱).

خواندی (الفرقان/۳۲) با گونه‌های تبشیر و اندازار^۱ «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا»؛ و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید و نیکی‌های ملنگار نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش‌فرجام‌تر است (مریم/۷۶) خوانشگران را به سوی هدایت و کمال فراخوند.

۵. تبلیغ در نگره معصومان (ع)

در روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی از معصومان (ع)، رهنمودها و توصیه‌های بسیاری دربارهٔ ویژگی‌ها و بایستگی‌های تبلیغ، مبلغان، شیوه، مراحل و آفات تبلیغ آمده است. در رهیافت معصومان (ع) تبلیغ از اهمیت ویژه برخوردار بوده به گونه‌ای که هدایت‌گری آدمیان از هر آنچه خورشید بر آن بتابد برتر دانسته شده است (قمی، ۱۳۵۲ — ۱۳۵۵ ش، ج ۲: ۷۰۰) چنین ویژگی بعدها به عنوان فضیلت شیعیان شمرده شده (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷: ۳۱۷) و برای تبلیغ‌گر دینی پاداش زیادی خوانش شده است (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ — ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۱۸) تعبیر امام علی (ع) «لَقَدْ عَظِمَتْ تَبْلِيغُ الرِّسَالَاتِ» که اشاره به تبلیغ بعد از پیامبر اسلام و پاداش چنین کنشی به همنشینی با پیامبر (ص) در روز قیامت وعده داده شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ — ۱۳۸۴ ق، ج ۷: ۲۸۸) و عبارت «أَيَّدْنَا بِحِلْمِهِ» (مفضل بن عمر، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۶) از امام صادق (ع) درباره شیوه تبلیغ معصومان (ع)، بازنمایی از اهمیت سنت تبلیغ در اسلام است.

گزارش‌های تاریخی درباره شیوه کنشگری پیامبر (ص) در مکه، که در ظاهر برای حفظ جان عده‌ای آنان را حبشه فرستاد، به عنوان بزرگترین زمینه گسترش اسلام در بیرون از شبه جزیره اسلام شمرده شده است. ناکامی کوشش قریشیان برای بازگرداندن این دسته از مهاجران به واسطه استدلال جعفر بن ابی‌طالب نماینده مسلمانان سبب ساز آشنایی و گرایش پادشاه حبشه به اسلام شد (زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۹۹). در این کنش برخی پیروان ادیان دیگر، همانند نمایندگان نجاشی (پادشاه حبشه) که مسیحی بودند، پس از پذیرش اسلام نقشی تبلیغی یافتند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۳۸۲ — ۳۸۵). فرستادن مصعب بن عمیر در سویه تبلیغ‌گر برای آگاه‌سازی مردم یثرب به آموزه‌های قرآن و اسلام که بستری برای پیشرفت رسالت پیامبر

۱. آل عمران/۳۱، الاحزاب/۴۳، النساء/۱۱۹، المطففین/۱، ۱۰، الهمزه/۱.

(ص) در انعقاد پیمان عقبه دوم و مقدمات هجرت تاریخی آن حضرت را به مدینه را فراهم ساخت (واقعی، ۱۳۷۴ش، ج ۷: ۲۲۳). تبلیغ دین با فرستادن امام علی (ع) و معاذ بن جبل برای فراخوانی مردم یمن و نیز اهل کتاب به توحید از سوی پیامبر اسلام پی جویی شد (ابن ابی شیبیه، ۱۹۸۱م، ج ۸: ۲۱۶) گستره تبلیغی پیامبر (ص) در ایام حج با توجه گسترده‌گی افراد انسانی که از سراسر جزیره العرب به مکه می آمدند، این فرصت را ایجاد می نمود که پیامبر (ص) با نخبگان و نمایندگان قبایل دیدار نموده آنان را به اسلام فراخواند. این کنش، بستر ساز روی آوری مردم یثرب به اسلام شد (السمهودی، ۱۹۵۵م، ج ۱: ۲۲۲) پیامبر اکرم (ص) در راستای تبلیغ از مبانی و ابزار فرهنگی مشترک میان اسلام و جامعه انسانی زمانه نزول، مانند شعر، خطابه و حج بهره گرفت و در پی آن نهادها و ابزارهایی نوین تبلیغی نیز همانند مسجد، اذان، نماز جماعت، جمعه و عید هم ایجاد گردید. روند تبلیغی آموزه‌های دینی در دوره‌های دیگر به صورت گسترده و در قالب فقه اسلامی به عنوان تکلیف دینی در میان رواج امت اسلام رواج یافت.

۶. آزادی تبلیغ در گفتمان قرآن کریم

ارکان نظری لیبرال بر آزادی‌های اساسی، عقیده، بیان، تبلیغ، برپایی اجتماعات، دین و مذهب و تشکل احزاب و جمعیت‌های سیاسی و شرکت در حکومت استوار است (کوهن، ۱۳۷۳ش: ۱۳۰-۱۴۰) این خوانش از آزادی با ماهیت دنیایی در برابر گفتمان اسلامی قرار دارد که آزادی را در معنای نبود مانع برای دستیابی به رشد و کمال معنوی دانسته است (مطهری، ۱۳۶۶ش: ۱۴). در این نگره دین برای تأمین سعادت اخروی و قرب الهی بوده و سعادت و شقاوت آدمی در پیوند با پایبندی نظری و عملی به آموزه‌های دین است (مصباح، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۶۱) گستره آموزه‌های الهی با گونه توصیه‌ای در حوزه بایدها و نبایدهای احکام تکلیفی (عبادی و حقوقی، تجاری، سیاسی و اجتماعی)، اخلاقی و توصیفی بازنمایی از اهمیت مفهوم آزادی در گفتمان قرآن کریم است (مصباح، ۱۳۷۸ش: ۲۰۶). در این دایره محدود کننده آزادی تبلیغ در چارچوب گزاره‌های دین برای رسیدن آدمی به کمال نهایی و سعادت ابدی

است و ابزار اجرای مبانی دین حکومت اسلامی است که برای رفع موانع بیرونی^۱ است و کنش‌های گفتاری یا رفتاری اختیاری به صورت نفی یا اثبات که دخالتی در سعادت و شقاوت آدمیان دارد، در جامعه دینی کنترل می‌شود (مصباح، ۱۳۸۰ش: ۱۳۹-۱۴۵).

آزادی درونی، رهایی از فشارها و جبرهایی درونی انگیزه‌ها، امیال، غرایز و به طور کلی خوشایندها و بدایندها در گستره احساسات، عواطف، هیجان و خواسته‌ها است. شرط تحقق این آزادی، زیست اخلاقی و پایبندی به قاعده اخلاقی است (مجتهد شبستری، ۱۳۸۳ش: ۲۳۴) که در اخلاق دینی آمده و پایبندی به آموزهای دین و رهایی از عبودیت غیر خدا و محدود کننده آزادی بیان در دایره شریعت است. ایجاد فضای کنترلی در جهت حفاظت از حقوق دیگران و حفظ اسلام ضرورت می‌یابد که از جانب حکومت اسلامی به عنوان ضامن اجرای قوانین تحقق یابد (مصباح، ۱۳۷۸ش: ۳۰)؛ بنابراین دین اسلام برنامه جامعی برای تمام امور دنیوی و اخروی آدمی دارد و محدودیت‌ها در جهت رسیدن به هدف‌های متعالی است. در این نگره برخلاف رهیافت انسان مدرن، حکومت مانع آزادی بیان نیست.

۷. ممنوعیت آزادی تبلیغ در برداشت کتاب نقد قرآن

نویسنده کتاب نقد قرآن در روند شبهه افکنی خود متعرض نبود آزادی تبلیغ برای غیر مسلمانان در جامعه دینی اسلامی شده است و با انگاشت نبود چنین مجوزی از سوی قرآن، در پی نقص قرآن و سپس بشری بودن متن وحیانی شد. هرچند وی بحث مستقلی در این موضوع ارائه نکرده است بلکه در ذیل مباحث موانع آزادی در قرآن، اخلاق طبقاتی در قرآن و موانع آزادی‌های سیاسی به این مهم اشاره کرده است. وی با گشودن فصلی درباره موانع آزادی انسان و طرح بحث اطاعت محض از رسول اکرم (ص) آن را از موانع بزرگ آزادی در صورتبندی تبلیغ باور انگاشته و نوشت: «انسان مسلمان هیچ اختیار و انتخابی در مقابل پیغمبر (و به تبع او روحانیون) ندارد فقط باید اطاعت کند آن هم با رضایت کامل درونی» (سها، ۱۳۹۳ش: ۴۴۰-۴۴۱) وی در ادامه با نفی آزادی‌های سیاسی غیر مسلمان بر این پنداشت

۱. آزادی آدمی به آزادی بیرونی (سیاسی - اجتماعی) و آزادی درونی دسته بندی می‌گردد. آزادی بیرونی یعنی رهایی از جبرهای بیرون انسان شامل فشارهای فیزیکی، محدودیت‌های سیاسی و نوع جبر دیگر که تلاش دارد آدمی را در جهت اهدافش کنترل کند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۳ش: ۱۲۷).

است که آنان تحت سیطرهٔ حکومت اسلامی از بسیاری از حقوق، آزادی‌های اساسی و آزادی تبلیغ دینشان محرومند (سها، ۱۳۹۳ش: ۴۴۶) وی در فصل عدالت اسلامی با تکرار گفته‌های پیشنی، شیوه حکومت اسلامی درباره غیر مسلمانان را ناعادلانه دانسته و اینکه آنان حق تبلیغ دینشان را ندارند (همان: ۴۷۶) وی آزادی‌های اجتماعی را از ضروریات حکومت دموکراتیک دانسته و می‌نویسد: «احزاب و اجتماعات سیاسی جایگاه پرورش سیاستمداران و نقد سیاسی و برنامه‌ریزی برای به‌دست گرفتن و ادارهٔ حکومت از طریق جلب آرای مردمند. طبیعی است که با ضرورت اطاعت بی‌قید و شرط از حاکم اسلامی جایی برای این آزادی‌ها نمی‌ماند» (همان، ۱۳۹۳ش: ۵۴۱).

۸. نوشتار کتاب نقد قرآن در فراسوی نقد

چنانچه آمد نوشتار کتاب نقد قرآن در گستره آزادی تبلیغ برآمده از نظام گفتمانی لیبرال بر پایه حقوق بشر با رهیافت فرد گرایی و تبیین امتیازات فرد در زیست اجتماعی است. در این خوانش، تبلیغ به گونه ویژه آن در جهان امروزین اشاره دارد که در قالب تبلیغات و آوازه‌گری در گستره سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که فرآورده آن، اعمال فشار از سوی گروه‌های ناظر بر سیاستگذاری تبلیغ است که با ایجاد تبلیغ‌های خبری، جوسازی و تحمیل، به دستکاری (manipulation) افکار شهروندان پرداخته، آن را در مسیر خود خواسته هدایت می‌کنند. برای پی‌جویی خوانش نویسنده کتاب نقد قرآن از نبود آزادی تبلیغ برای غیر مسلمانان در گفتمان دینی، در آغاز از مؤلفه‌های کاربردی وی در این راستا همانند حکومت یا نهاد سیاست به عنوان موانع آزادی تبلیغ بررسی و در ادامه مفهوم شهروندی به عنوان بهره‌مندان این سنخ از آزادی مورد بازخوانش قرار می‌گیرد.

۸-۱. حاکمیت و اطاعت پذیری در نگره اسلام

نویسنده کتاب نقد قرآن اطاعت مطلق از حاکم اسلامی را در راستای گونه ویژه حکومت خوانش کرده و آن را دیکتاتوری نامید. وی می‌نویسد: «اطاعت مطلق چیزی است که تمام دیکتاتورهای تاریخ از مردم انتظار داشته‌اند و معادل سرکوب آزادی، نابود کردن حقوق انسانی، تحقیر و سرکوب فکر و نقد و خلاقیت مردم است» (سها، ۱۳۹۳ش: ۳۵۵).

در اندیشه سیاسی اسلام، خداوند به عنوان وجود محض در متن زیست فردی و اجتماعی آدمی قرار دارد و نگره توحید عامل جهت دهنده سیاست اسلامی است و حاکمیت در تمامی ساحات به اجازه و اراده تشریح الهی است. حکومت دینی به عنوان حکومت آرمانی و از پشتوانه الهی بهره داشته که قوانین اجرایی آن برگرفته از احکام دین و مجریان آن از طرف خدا منصوب می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱: ۱۴۸-۱۵۰) در این راستا خداوند پیامبر (ص) را به عنوان شایسته‌ترین فرد برای رهبری نصب فرموده و جامعه را به اطاعت مطلق از ایشان (مصباح، ۱۳۹۱ ب: ۲۳۲-۲۳۹) و اولویت در تصرف امور (جان و مال) دستور داده است. «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ نَفْسِهِمْ»؛ پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است (الاحزاب/۶) و در تصرف امور (جان و دارایی) اولویت داده است.

برای دریافت دقیق اطاعت در آغاز لازم است این مفهوم در کاربست قرآن کریم بازخوانی شده و در ادامه، رهیافت سه‌گانه مورد نقد قرار گیرد. این مفهوم در طول تاریخ اسلام مورد توجه دانشوران اسلامی قرار داشته و با شیوه‌های گوناگون با آن رویارویی شده است. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. (النساء/۵۹) مردم وظیفه دارند از امامان به نصب خاص پیروی نمایند (مصباح، ۱۳۹۱ ب: ۲۴۰-۲۴۱) بر لزوم اطاعت از اولی الامر تأکید شده است. در گمانه‌های برخی مفسران (طبرسی، ۱۳۷۲ ق، ج ۵: ۲۰۲؛ صادقی تهرانی، ۱۳۹۵ ش، ج ۷: ۱۳۳) نیز این آیه دلالت بر اطاعت مطلق محض از اولی الامر دانسته شده است. در این گمانه خداوند دستور داده که به طور مطلق از آنان اطاعت شود. لازمه این دستور آن است که خدا آدمی را به گناه و نافرمانی از خود دستور نمی‌دهد و آدمی را از نافرمانی نهی کرده است. اقتضای چنین گفته‌ای این است که اولی الامر از عصمت بهره داشته باشند تا اطاعت آنان در راستای اطاعت از خدا و رسول باشد (طباطبایی، ۱۴۲۷ ق، ج ۴: ۳۹۱-۴۰۰) چنین برداشتی از اطاعت معصوم در پنداره اهل سنت هم دیده می‌شود. هر چند اینان اولی الامر را به مجموع امت یا اهل حل و عقد دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۱۱۳) در ادامه باید افزود که آیه اطاعت در پیوند بینامتنی با آیاتی ولایت (المائده/۵۵)، آیه عهد (البقره/۱۲۴)، آیه تطهیر (الاحزاب/۳۳) آیه مباحله (آل عمران/۶۱) و آیه تبلیغ (المائده/۶۷)

قرار دارد. در این راستا آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند (الاحزاب/۳۳) در پندار مفسران از مهمترین آیات در عصمت امامت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶: ۴۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ق، ج ۱۰: ۴۰۶) و در رهیافت تاریخی روند تکاملی داشته و با قاعده لطف تبیین شد (طوسی، بی تا، ج ۸: ۳۴۱؛ مفید، ۱۴۲۴ ق: ۴۱۴) و در گامی فراتر این قاعده با اراده کن فیکون از فعل خدا دانسته شد (طبرسی، ۱۳۷۲ ق، ج ۸: ۵۶۰) براساس آیات «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»؛ و از سر هوس سخن نمی گوید این سخن به جز وحیی که وحی می شود نیست (النجم/۳-۴) معصوم (ع) از تمامی گناهان در احتمال های نسیان، دروغ، اشتباه و خطا از جانب خداوند حفظ شده است. در این نگره اطاعت از آنان عین اطاعت از خداست و در مرحله بعدی اطاعت از اولی الامر هم واجب می گردد.

آیه عهد «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید [خدا به او] فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم [ابراهیم] پرسید از دودمانم [چطور] فرمود پیمان من به بیدادگران نمی رسد (البقره/۱۲۴) که هشاد و هفتمین سوره نازله و مدنی (طبرسی، ۱۳۷۲ ق، ج ۱۰: ۴۰۵-۴۰۶) شرط رسیدن به جایگاه امامت را عدم ظلم و عصمت دانسته است؛ بنابراین آیه عهد نسبت به آیه اطاعت زمینه ساز شرط وجودی رسیدن به مقام اطاعت پذیر شدن است. در پیوست شروط اطاعت پذیری از اولی الامر در ارجاع به آیه مباحله است. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَغْدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (آل عمران/۶۱)، در اثبات حقانیت اسلام و پیامبر (ص) و فضیلت اهل بیت (ع) است (طوسی، بی تا، ج ۲: ۴۶۸).

بنابر آنچه گفته شد، در بینش دینی خداوند حاکم بر هستی بوده و پیوسته آن را تدبیر می کند. در این فرایند تدبیر زیست انسانی با آموزه ها و قوانین الهی بوده و حاکمیت افراد

انسانی نیز به اجازه خداست. انسان موجودی کمال خواه بوده و کمال در گستره دین رسیدن به معرفت و قرب الهی است. در این راستا حکومت بر مدار هدایت و رفع موانع آدمی در جهت قرب الهی است و پیامد این اندیشه آن است که حکومت در پندار دینی براساس مصالح و منافع واقعی در گستره آموزه‌های الهی بنا نهاده شده است و اطاعت از حاکم دینی در واقع اطاعت از کسی است که از حقایق هستی و نسبت انسان به خدا و هستی آگاهی دارد.

۸-۲. مفهوم شهروند در اسلام

مفهوم نوین شهروند برگرفته از نظام فردگرایی غرب برپایه اهمیت فرد در زیست اجتماعی است و نباید آن را با واژگان رعیت، ملت، امت، بومی، مقیم، ابناء، تابع و مردم برابر و هم معنا دانست. این مفهوم نوپدید در روند تاریخی خود (یونانی و روم باستان و تا امروز) برداشت‌های گوناگونی داشته، در سده اخیر با اعلامیه حقوق انسان و شهروند معنای گسترده و فراگیری یافت (موحد، ۱۳۸۱ ش: ۱۹۸، ۲۳۰، ۲۳۵). شهروند در معنای نوین فراتر از ساکن یک شهر بوده که افزون بر بهره مندی از امتیازهای شهروندی (آقابخشی، ۱۳۶۳ ش: ۴۹؛ صدر افشار، ۱۳۷۳ ش: ۱۲۵) در سازماندهی، تنظیم قواعد زندگی، تدوین قانون حاکم بر شهر (نوابخش، ۱۳۸۵ ش: ۱۶) با نهاد سیاست (فالكس، ۱۳۸۱ ش: ۷۴) با سویه‌های وفاداری مردم و التزام حمایت دولت از مردم در پیوند است (گولد، ۱۳۷۶ ش: ۵۵۱).

مفهوم شهروندی در برداشت جامعه اسلامی برخلاف مفهوم شهروندی در جهان امروزی، در آغاز پیدایی بر پایه باور دینی و چارچوب دین بود و گستره زیست مسلمانان نیز به دو ناحیه زیستی دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شد. مناطق مسلمان نشین با الگوواره دینی و نواحی غیر مسلمانان با نظام زیسته ناهمسان و بر پایه باورهای متفاوت بود. البته در همان آغازین روزگار اسلام نیز و نوعی همزیستی وجود داشت و اقلیت‌های دینی در درون جوامع اسلامی وجود داشته، بدون این که آموزه‌های پیشینی خود را رها کرده یا سرزمین خود را ترک نمایند. شیوه زیست این افراد با بن مایه‌های فقهی به مثابه متحد مسلمانان بوده و براساس اتحاد و با عقد قراردادی از حقوق زیستی برخوردار می‌شدند (غوث، حسن و دیگران، ۱۳۹۵ ش: ۹۲-۹۳) البته بهره مندی از حق شهروندی از نگره فقهی، تنها بر پایه باور و اعتقاد به اسلام

بود و افراد انسانی در صورت باور به اسلام و بدون لحاظ زبان، نژاد و دیگر مؤلفه‌ها از امت^۱ اسلام به شمار می‌آمدند «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید (بقره/۱۴۳).

براین اساس در رهیافت فقیهانه مفهوم شهروندی بر مؤلفه باور به اسلام استوار است. هر چند دیدگاه‌ها در این باره همسان نیست.^۲ تابعیت ویژه که براساس قرارداد ایجاد گشته در این خوانش «ذمه» گفته شد و تنها اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان و زردشتیان) را فرامی‌گرفت (حر عاملی، بی تا: ۱۱، باب ۴۹؛ نجفی، ۱۳۶۷ ش، ج ۲۱: ۲۲۸) در رهیافت قرآن کریم هم آزادی‌های باورمندان اهل کتاب برای نگهداشت و تداوم باورشان بر پایه آزادی ذمیان در سرزمین اسلامی از سوی حاکمیت اسلامی تأکید شده؛ زیرا در قرآن اختلاف باور تأیید شده است. آیات «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»؛ برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد (مائده/۴۸) و نیز «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد در حالی که پیوسته در اختلافند (هود/۱۱۸) این آیات نمایانگر گونه‌گونی باورهای دینی و شریعت‌هاست.

در ادامه قرآن کریم به کنش رفتاری باورمندان غیر اسلامی در انجام شعائر دینی خود توجه نموده است. آیاتی همانند «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا»؛ و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم (حج/۳۴) و آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْظِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْظُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجد و صلوات که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چرا که خدا سخت نیرومند (حج/۴۰) به این امر دلالت دارد.^۳

۱. واژه امة در قرآن (البقره/۱۴۱، آل عمران/۱۰۴-۱۱۰) آمده است.

۲. برخی غیر مسلمانان را شهروند حقیقی نشمرند و تنها با پایبندی به شرایط ویژه همانند اتحاد با مسلمانان، می‌توانند از برخی حقوق در جامعه اسلامی بهره‌مند گردند. برخی نیز غیر مسلمانان را همانند مسلمانان، شهروند البته درجه دوم به شمار آورند. البته هر دو دیدگاه بن‌مایه ایمانی به اسلام را شرط شهروندی دانسته‌اند (غوث و دیگران، ۱۳۹۵ ش: ۹۳).

۳. در پندار فقهاء به اهل ذمه نامبردار است (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ ش، ج ۲۱: ۲۸۶؛ امام خمینی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲: ۲۰۵).

تبلیغ دینی در کاربست فقهی در ضمن قرارداد ذمه اشاره شده است. براساس آن غیر مسلمانان موظف‌اند تا از تبلیغ و ترویج دین خویش خودداری کنند (مفید، ۱۴۱۰: ق: ۸۱۲) بر این اساس غیر مسلمانان نباید رفتار خلاف اسلام را مرتکب شوند بسان نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک هرچند در آیین آنان روا باشد (طوسی، ۱۴۰۰: ق: ۳۱۳؛ حلی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۲۵۱) و ترویج دین خود را در سرزمین اسلامی ندارند و در صورت انتشار، تعزیر می‌شوند (خمینی، ۱۳۹۰: ش، ج ۲: ۵۰۷) تبلیغ گسترانیدن پیام‌ها و آموزه‌های دینی با ابزار گوناگون به صورت نهانی و آشکار به گونه‌ای که باورهای دینی مسلمانان را به مخاطره اندازد و آن را تضعیف نماید (صدر، ۲۰۰۷: م، ج ۱۰: ۱۴۰) در این گفتار مفهوم تبلیغ در معنای عام شامل هر اقدام علیه باورها و شعائر اسلامی است. ذمیان نمی‌توانند به صورت عمومی در کشور اسلامی برای گمراه کردن مسلمانان، دست به تبلیغات بزنند یا کتب خود را منتشر سازند و دولت باید از این اقدام آنان ممانعت کند (حلی، بی‌تا، ج ۹: ۳۱۷) و صاحب جواهر، ۱۳۶۷: ش، ج ۲۱: ۲۶۶) به طریق اولی آنان حق ندارند تعالیم اسلامی را به نقد کشند (امام خمینی، ۱۴۰۹: ق، ج ۲: ۵۰۷).

۹. محدودیت‌های آزادی تبلیغ

آزادی تبلیغ در فراسوی تعریف آیزنبرلین در سویه‌های مثبت و منفی و نیز در رهیافت مسلمانان در گستره اختیار با عناصر توان و انتخاب‌گری قابل خوانش است و تعیین کنند محدوده آزادی با روی آوری به نوع تعریف آزادی و روی آوری به گونه‌گفتامانی آن می‌باشد. آزادی تبلیغ در سویه مثبت با نگره اخلاق دینی، با صورتبندی گزاره‌های توصیه‌ای امر و نهی در پیوست با رفتارهایی اختیاری است که زمینه‌ساز کمال آدمی است. انجام این گزاره‌ها در پیوند با ضمانت اجرایی درونی و باورمندی انسان به بازخورد آن در آخرت است. در پی برخورداری از چنین سررشت شناختی در بازشناسی خوبی و بدی، توانایی انتخاب راستی از ناراستی را در مسیر زیسته وی فراهم می‌نماید؛ بنابراین رفتار فردی که پیامد آن به خود انجام دهنده آن برگردد، دوگونه استدلال می‌توان درباره آن ارائه نمود: نخست آن که این گزاره‌ها جزء حریم خصوصی افراد بوده، در معرض داوری اخلاقی است و دانش حقوق در آن دخالت نمی‌کند. در این راستا آزادی باور یا اعتقاد هم جزء حریم خصوصی افراد

است و داوری خوبی یا بدی آن در حوزه احکام اخلاق قرار دارد؛ اما آزادی تبلیغ با صورتبندی گفتاری و رفتاری، آثار و پیامد آن افزون بر کنشگر بر دیگران هم تأثیر گذارد، جنبه اجتماعی یافته و داوری‌های حقوقی و غیر آن درباره آن می‌شود. چنانچه گفته شد جنبه حقوقی به حقوق آدمیان در فرآیند زیست اجتماعی اشاره دارد و آدمی را در چارچوب قواعد الزام آور اجتماعی قرار می‌دهد. از استدلال‌های مهم در دفاع از محدودیت آزادی تبلیغ این است که آدمیان در زیست خود در ساحت‌های متفاوت خطاپذیر هستند و ممکن است در جستجوی حقیقت یا فهم گزاره‌ها به صدق آن نرسند؛ بنابراین پابندی به گزاره‌های اخلاقی مانع از تبلیغ اموری می‌شود که تبلیغ‌گر در پیدایی، فهم یا کشف آن از حقیقت برخوردار نبوده و ممکن است زیست دیگران را حوزه‌های متفاوت اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی به مخاطره اندازد.

محدودیت تبلیغ در قالب زبانی آزادی همگرا با اصل زبان صورتبندی شده که منجر به زیان دیگری نشده و حقوق دیگران را تباه نسازد. تهمت، افتراء، درخواست حق سکوت، تبلیغ دروغین در کالاهای مصرفی، دروغ در قراردادهای و افشای اسرار امنیتی از عناصر ممنوعه آزادی تبلیغ است. هرچند محدودیت‌های زبانی پس از بازشناسی آن از جهت سنخ آن (اخلاقی و حقوقی) داوری همسان با آن می‌شود. به نظر می‌رسد آزادی تبلیغ زمینه ساز فرودست کردن گروهی از شهروندان شود یا شأن انسانی برابر ایشان را به خطر اندازد یا مجال گفتگوی عقلانی را در جامعه محدود سازد، از منظر ارزش‌های دینی هم نامطلوب تلقی می‌شود.

آزادی تبلیغ در گفتمان لیبرال برپایه سود فردی تا آنجاست که به موقعیت زیسته دیگران آسیبی نرساند؛ بنابراین محدودیت‌ها در چارچوب اخلاق، حقوق و نظام سیاسی کنترل و نظارت می‌شود؛ اما در آزادی تبلیغ در اسلام با محور تکلیف و مسئولیت آدمی در نسبت به خدا بازخوانش شده، عناصر انتخاب و توان در این راستا معنادار می‌شود. محدودیت آزادی تبلیغ برپایه قوانین الهی در گستره اخلاق و حقوق برای رساندن انسان به کمال و تقرب به خداوند ایجاد شدند.

نتیجه پژوهش

۱. تبلیغ در سویه‌های مختلف برای سامان دهی و تنظیم مناسبات افراد در زیست اجتماعی است. در این راستا تبلیغ گر، با بهره مندی از رهیافت‌ها تلاشی آگاهانه و سازمان یافته‌ای را به منظور توجه و جذب، فهم و درک، درونی سازی، تغییر نگرش‌ها و رفتارها در جامعه هدف انجام می‌دهد.
۲. نویسنده کتاب نقد قرآن با استفاده از مواد (۱۸ تا ۲۱) اعلامیه حقوق بشر بر پایه آزادی‌های عمومی و حقوق سیاسی شهروندان، به نقد آزادی تبلیغ در قرآن پرداخته است. سها با دیدگاه انسان‌محورانه و مبانی آن تلاش نمود، ساختار و شیوه حکومت اسلامی از جهت همکنشی مسلمانان در آزادی تبلیغی برای تشکیل اجتماعات و مشارکت در اداره امور عمومی کشور را ناکارا جلوه دهد و در گامی دیگر نادیده‌انگاری این حق را برای غیر مسلمانان از جانب حاکمیت دینی را خوانش نماید.
۳. قرآن کریم تبلیغ را از وظایف انبیای الهی خوانش نموده است. در این رهیافت، انبیای الهی با شیوه‌های مؤثر و مشروع تلاش سامانمندی را در جهت تبدیل آموزه دینی به هنجار اجتماعی، تثبیت و عینیت یافتگی در روند زیست مردم فردی و اجتماعی انجام دادند.
۴. در برداشت سها حکومت اسلامی به عنوان بزرگترین مانع آزادی تبلیغ قلمداد می‌شود. چنین رهیافتی برآمده از نوع نگرش وی به حکومت در گفتمان لیبرال است، حال آن که در بینش دینی خداوند حاکم بر هستی بوده و پیوسته آن را تدبیر می‌کند و حاکمیت افراد انسانی نیز به اجازه خداست. در این راستا حکومت بر مدار هدایت و رفع موانع آزادی تبلیغ در جهت قرب الهی است. پیامد این اندیشه آن است که حکومت در پندار دینی براساس مصالح و منافع واقعی در گستره آموزه‌های الهی بنا نهاده شده است و اطاعت از حاکم دینی در واقع اطاعت از کسی است که از حقایق هستی و نسبت انسان به خدا و هستی آگاهی دارد.
۵. مفهوم شهروندی در برداشت جامعه اسلامی بر پایه باور دینی و چارچوب دین است و همزیستی با اقلیت‌های دینی در درون جوامع اسلامی براساس اتحاد و با عقد قرارداد بوده که از حقوق زیستی برخوردار می‌گردند.

منابع و مآخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) **نهج البلاغه**، (۱۳۸۶ش)، ترجمه دشتی، محمد، چاپ دهم، قم، نشر مشرقین
- ۳) ارسطو، (۱۳۸۱ش)، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۴) ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۱۳۷۸-۱۳۸۴ ق/ ۱۹۵۹-۱۹۶۴ م)، **شرح نهج البلاغه**، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: بی نا.
- ۵) ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، (۱۹۸۱م)، **المصنف**، بمبئی: دارالسلفیه.
- ۶) ابن منظور، محمد، (۱۹۷۰م)، **لسان العرب**، بیروت: داراللسان العرب
- ۷) ابن هشام، (بی تا) **السیرة النبویة**، به کوشش مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلی، بیروت: دارابن کثیر.
- ۸) اربابی، محمدعلی، (۱۳۵۰ش)، **تبلیغات تجاری**، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- ۹) افتخاری، اصغر، (۱۳۷۷ش)، **سیره تبلیغی پیامبر اکرم (ص)**، چاپ اول، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۰) آقابخشی، علی، (۱۳۶۳ش)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: چاپ تندر.
- ۱۱) باربور، ایان، (۱۳۶۲ش)، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲) برلین، آیزایا، (۱۳۹۲ش)، **چهار مقاله درباره آزادی**، ترجمه محمد علی موحد، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- ۱۳) -----، (۱۳۹۰ش)، **آزادی و خیانت به آزادی**، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ سوم، تهران: نشر ماهی.
- ۱۴) حداد عادل و دیگران، (۱۳۸۱ش)، **دانشنامه جهان اسلام**، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۵) حلی، ابوالقاسم، (۱۴۰۹ق)، **شرایع الاسلام**، تحقیق سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران: استقلال.
- ۱۶) حلی، حسن بن یوسف، (بی تا)، **تذکره الفقهاء**، قم: مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- ۱۷) جعفریان، رسول، (۱۳۷۹ش)، **آثار اسلامی مکه و مدینه**، قم: مشعر.
- ۱۸) -----، (۱۳۶۷ش)، **تاریخ سیاسی اسلام (تا سال چهلم هجری)**، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹) جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۹۰ش)، **دیپلماسی پیامبر (ص)**، تهران: چاپ بین الملل.
- ۲۰) رابرتسون، دیوید، (۱۳۸۵ش)، **فرهنگ سیاسی معاصر**، چاپ سوم، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: نشر البرز.
- ۲۱) رازی، محمدبن ابی بکر، (۱۹۸۶م)، **مختار الصحاح**، بیروت: مکتبه لبنان.

- ۲۲) الراغب الاصفهانی. (۱۳۷۷ش). **معجم مفردات الفاظ القرآن**. تحقیق ندیم مرعشلی. چاپ دوم. قم: مرتضوی.
- ۲۳) زرکشی، ابوعبدالله. (۱۴۲۱ق). **المنثور فی القواعد**. تحقیق محمد حسن اسماعیل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۲۴) خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۰ش). **تحریر الوسیلة**. چاپ دوم. نجف: دارالکتب العلمیه.
- ۲۵) ----- (۱۳۶۹ش). **صحیفة نور**. تهران: موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۶) ----- (۱۴۰۹ق). **تحریر الوسیلة**. چاپ دوم. قم: دارالکتب العلمیه اسماعیلیان.
- ۲۷) خندان، محسن. (۱۳۷۴). **تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی**. چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۸) سپنجی، امیر عبد الرضا و نفیسه مؤمن دوست. (۱۳۹۰ش). **«افئاع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم»**. دین و ارتباطات. سال ۱۸. شماره ۲. صص ۱۱۷-۱۴۴.
- ۲۹) السمهودی، نورالدین علی بن احمد (۱۹۵۵م). **وفاء الوفاء**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳۰) شبستری، مجتهد. (۱۳۷۶ش). **رویارویی مجذوبانه ایمان و آزادی**. تهران: طرح نو.
- ۳۱) صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵ش). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ۳۲) صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. (۱۳۶۷ش). **جواهر الکلام**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳) صدر، سید محمد. (۲۰۰۷م). **ماوراء الفقه**. چاپ سوم. بی جا: نشر المحبین.
- ۳۴) صدر افشار، غلامحسین. (۱۳۷۳ش). **فرهنگ فارسی امروز**. تهران: نشر کلمه.
- ۳۵) صقر، عبدالبدیع. (۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م). **کیف ندعو الناس؟**. بیروت: المکتب الاسلامی.
- ۳۶) طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. الطبعة الخامسة. قم: مکتبه النشر الاسلامی.
- ۳۷) طبرسی، فضل بن حسن. (ش ۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق محمد جواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۳۸) طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۱ق). **الاقتصاد**. تهران: منشورات چهلستون.
- ۳۹) ----- (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. الطبعة الاولى. بیروت: دار إحیا التراث العربی.
- ۴۰) عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۹ش). **فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام**. تهران: سمت.
- ۴۱) علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۶۹ش). **فرهنگ علوم سیاسی**. تهران: نشر ویس.

- (۴۲) غفوری، محمد. (۱۳۸۷ش). **اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار پیامبر (ص)**. تهران: مهاجر.
- (۴۳) غوث، حسن و دیگران. (۱۳۹۵ش). «**تحویل پذیری قرار داد ذمه با پیدایش حقوق شهروندی مدرن**». فقه و اصول. شماره ۱۰۵. صص: ۸۹-۱۱۵.
- (۴۴) فخرالدین رازی، ابوعلی عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار التراث العربی.
- (۴۵) فالکس، کیث. (۱۳۸۱ش). «**شهر وندی**». ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- (۴۶) فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **العین**. قم: نشر هجرت.
- (۴۷) فضل الله، محمدحسین. (۱۳۹۹ق). **اسلوب الدعوة فی القرآن**. المطبعة الاولى. بیروت: الدار الاسلامیة.
- (۴۸) قونوی، قاسم. (۱۴۰۷ق). **انیس الفقهاء**. تحقیق احمد بن عبدالرزاق الکیسی. جده: دارالوفاء للنشر و التوزیع.
- (۴۹) کرنستون، موریس. (۱۳۵۹ش). **تحلیل نوین از آزادی**. ترجمه جلال الدین اعلم. تهران: بی نا.
- (۵۰) گارت جاوت، ویکتوریا ادانل. (۱۳۹۳ش). **تبلیغات و اقناع**. ترجمه حسین افخمی. چاپ سوم. تهران: همشهری.
- (۵۱) گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب. (۱۳۷۶ش). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه محمدجواد زاهدی مازندانی. تهران: نشر مازیار.
- (۵۲) لیدمان، سون اریک. (۱۳۸۴ش). **سبکی فکر سنگین واقعبت درباره آزادی**. ترجمه سعید مقدم. چاپ اول. تهران: نشر اختران.
- (۵۳) محمود، زکی نجیب. (۱۹۷۳م). **الجبر الذاتی**. قاهره: الهيئة المصریة العامه للكتاب.
- (۵۴) مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱ش). **ده گفتار**. تهران: صدرا.
- (۵۵) مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۸ش). **سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت**. چاپ سوم. تهران: دفتر مطالعات و بررسی های سیاسی.
- (۵۶) (۱۳۹۱ الف). **نظریه سیاسی اسلام**. تحقیق و نگارش کریم سبحانی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- (۵۷) (۱۳۹۱ ب). **حقوق و سیاست در قرآن**. نگارش محمد شهبازی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- (۵۸) مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶ش). **گفتارهای معنوی**. چاپ پنجم. تهران: صدرا.
- (۵۹) مفضل بن عمر. (بی تا). **توحید مفضل**. قم: المكتبة الداوری.
- (۶۰) مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۰ق). **المقنعه**. تحقیق مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- ۶۱) مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۲۴ ق). **تفسیر القرآن المجید**. چاپ اول. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶۲) موحّد، محمدعلی. (۱۳۸۱ ش). **در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)**. تهران: نشر کارنامه.
- ۶۳) نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۷۱ ش). **مبانی جامعه‌شناسی**. تهران: نشر توتیا.
- ۶۴) نویمان، فرانتس و مارکوزه، هربرت. (۱۳۹۰ ش). **تحلیلی نوین از آزادی**. چاپ دوم. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: شرکت انتشارت خوارزمی.
- ۶۵) نوایخش، مهرداد. (۱۳۸۵). «**بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی**». مجله جامعه‌شناسی، شماره ۵. صص ۱۱-۳۰.
- ۶۶) واقدی، محمد بن سعد. (۱۳۷۴). **طبقات، محمود مهدوی دامغانی**. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ۶۷) ولفسن، هنری اوسترین. (۱۳۶۸). **فلسفه علم کلام**. تهران: الهدی.

References

1. The Holy Quran.
2. Nahj al-Balagha, (2007), Translated by: Dashti, Mohammad, Tenth Edition, Qom, Mashriqain Publishing
3. Aristotle. (2002). Good ethics. Translated by: Sayyid Abolghasem Hosseini. Tehran: University of Tehran.
4. Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid. (1378-1384 AH/1959-1964). Sharh Nahj al-Balagha. By the efforts of Muhammad Abolfazl Ibrahim. Cairo: No Name.
5. Ibn Abi Shabih, Abdullah bin Muhammad. (1981). Al-Musannaf. Mumbai: Dar al-Salafiyyah.
6. Ibn Manzour, Muhammad. (1970 AD). Lisan al-Arab. Beirut: Dar Lisan al-Arab.
7. Ibn Hisham. (No Date) Al-Sirah al-nabawiyah. By the efforts of Mustafa Saqqa, Ibrahim Abyari and Abdul Hafiz Shalabi. Beirut: Dar Ibn Kathir.
8. Arbabi, Mohammad Ali. (1350). Commercial Advertisements. Tehran: Publications of the Faculty of Social Communication Science.
9. Eftekhari, Asghar. (1998). Sireh Tablighi Peyambar Akram. First Edition. Tehran: Islamic Tablighat Organization Publishing.
10. Aghabakhshi, Ali. (1363). Culture of Political Science. Tehran: Thonder publishing.
11. Barbor, Ian. (1362). Science and religion. Translated by: Bahauddin Khorramshahi. Tehran: University Publishing Center.
12. Berlin, Isaya. (2013). Four articles on freedom. Translated by: Mohammad Ali Movahhed. Third Edition, Tehran: Kharazmi.
13. ----- (2011). Freedom and betrayal of freedom. Translated by: Ezzatullah Fooladvand. Third edition. Tehran: Mahi Publishing.
14. Haddad Adel et al. (2002). Encyclopedia of the Islamic World. Tehran: Great Islamic Encyclopedia Center.
15. Hilli, Abulqasim. (1409 AH). Shara'i al-Islam. Researched by: Seyed Sadegh Shirazi. Second edition. Tehran: Istiqlal.
16. Hilli, Hasan bin Yusuf. (No Date). Tazkirat al-Fuqaha. Qom: Al-Maktabah al-Razawiyyah li Ihya al-Athar al-Jafariyyah.
17. Ja'farian, Rasul. (1379). Islamic Works of Mecca and Medina. Qom: Mash'ar.
18. ----- (1367). Political History of Islam (until fortieth years AH). Second edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

19. Jamshidi, Mohammad Hussein. (2011). The Prophet's diplomacy. Tehran: International Printing.
20. Robertson, David. (2006). Contemporary political culture. Third edition. Translated by: Aziz Kiyavand. Tehran: Alborz Publishing.
21. Razi, Mohammad bin Abi Bakr. (1986). Mokhtar al-Sihah. Beirut: Maktabah Lebanon.
22. Raghīb al-Isfahani. (1998). Mujaḥ al-Mufradāt Alfaz al-Qur'an. Nedim Marashli's research. Second edition. Qom: Mortazavi.
23. Zarkashi, Abu Abdullah. (1421 AH). Al-Monthor fil al-Qawaid. Researched by: Mohammad Hassan Ismail. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
24. Khomeini, Sayyid Ruhollah. (2011). Tahrir Al-Wasilah. Second edition. Najaf: Dar al -Kutub al-Ilmiyah.
25. -----, (1369). Sahifeh Noor. Tehran: Imam Khomeini Works Regulation Institute.
26. -----, (1409 AH). Tahrir al-Wasilah. Second edition. Qom: Dar al-Ilmiyyah Ismailian.
27. Khandan, Mohsen. (1374). Tabligh Eslami va Danesh Ertebatat Ejtetaei, First Edition. Tehran: Islamic Tablighat Organization Publishing Center.
28. Sepanji, Amir Abdul Reza and Nafiseh Momendoust. (1374). "Persuading and changing attitudes, its place in the communication of the infallible Imams." Religion and Communication. Year 18. No. 2 pp. 117-144.
29. Al-Samhoodi, Nuruddin Ali bin Ahmad (1955). Wafa al-Wafa. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
30. Shabestari, Mojtahed. (1376). Appealing confrontation of Faith and Freedom. Tehran: Tarh Now.
31. Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1365). Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an bil-Qur'an. Qom: Islamic Culture Publication.
32. Sahib al-Jawahir, Mohammad Hasan bin Bagher. (1367). Jawahir al-Kalam. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
33. Sadr, Sayyid Muhammad. (2007). Ma-Wara al-Fiqh, Third Edition. No Place: Al-Muhibbin Publishing.
34. Sadr Afshar, Gholamhossein. (1373). Today's Persian culture. Tehran: Word Publishing.
35. Saqar, Abdulbadee. (1405 AH/1985). Kaifa Nadu al-Nas?. Beirut: Al-Maktab al-Islami.
36. Tabatabai, Mohammad Hossein. (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Fifth edition. Qom: Al-Nashr al-Islami Bookstore.
37. Tabarsi, Fadl bin Hasan. (1372). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Research by: Mohammad Javad Balaghi. Third edition. Tehran: Nasser Khosrow Publications.
38. Tusi, Mohammad bin Hassan. (1411 AH). Al-Iqtisad. Tehran: Chehelsotoon Publications.
39. -----, (No Date). Al-Tabian fi Tafsir al-Qur'an. First edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
40. Amid Zanjani, Abbas Ali. (2000). Political Jurisprudence: The rights of international obligations and diplomacy in Islam. Tehran: Samt.
41. Ali Babaei, Gholamreza. (1369). Culture of Political Science. Tehran: Weis Publishing.
42. Ghafouri, Muhammad. (1387). Principles of diplomacy in Islam and the behavior of the Prophet (peace be upon him). Tehran: Muhajir.
43. Ghawth, Hasan et al. (1395). "The transformation of the contract of Zhimmah with the emergence of citizenship rights". Jurisprudence and Principles. No. 105. pp: 89-115.
44. Fakhruddin Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar. (1420 AH). Mafatih al-Ghaib. Beirut: Dar al-Turath al-Arabi.
45. Falks, Keith. (1381). "Citizenship". Translated by Mohammad Taghi Dellforooz, Tehran: Kavir Publications.
46. Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1410 AH). Al-Ain. Qom: Hejrat publishing.
47. Fadlullah, Mohammad Hussein. (1399 AH). Uslub al-Dawah fil-Qur'an. First edition. Beirut: Al-Dar al-Islamiyyah.
48. Qonawi, Qasim. (1407 AH). Anis al-Fuqaha. Research by: Ahmad ibn Abdul Razzaq al-Kabisi. Jeddah: Dar al-Wafa for publishing and distributing.

49. Kernston, Morris. (1359). *New analysis of freedom*. Translated by: Jalaluddin Alam. Tehran: No Name.
50. Gareth Javot, Victoria Eddanel. (1393). *Advertising and persuasion*. Translated by: Hossein Afkhami. Third edition. Tehran: Hamshahri.
51. Gold, Julius and William L. Cole. (1376). *Culture of Social Science*. Translated by: Mohammad Javad Zahedi Mazandarani. Tahran: Maziar publishing.
52. Lidman, Sun Eric. (2005). *The lightweight of thinking of reality about freedom*. Translated by: Saeed Moghaddam. First Edition. Tehran: Akhtaran Publishing.
53. Mahmoud, Zaki Najib. (1973 AH). *Al-Jabr al-Zati*. Cairo: Al-Heyah al-Masriyeh al-Ammah lil-Kitab.
54. Motahhari, Morteza. (1361). *Ten Speeches*. Tehran: Sadra.
55. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. (1378). *A series of discussions of Islam, politics and government*. Third edition. Tehran: Office of Political Studies and Researches.
56. (1391). *Islam's political theory*. Researched by: Karim Sobhani, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
57. (1391). *Law and Politics in the Qur'an*. Written by: Mohammad Shahrabi, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
58. Motahhari, Morteza. (1366). *Spiritual speeches*. Fifth Edition. Tehran: Sadra.
59. Mafaddal bin Omar. (No Date). *Monotheism*. Qom: Al -Maktaba al-Dawari.
60. Mofid, Muhammad ibn Numan. (1410 AH). *Al -Muqniah*. Research of the Institute of Islamic Publishing. Second edition. Qom: Foundation of Islamic Publishing.
61. (1424 AH). *Tafsir al -Qur'an al-Majid*. First Edition. Qom: Islamic Tablighat Office Publishing Center.
62. Movahhed, Mohammad Ali. (1381). *In the Atmosphere of Rights and Justice (from natural rights to human rights)*. Tehran: Karnameh Publishing.
63. Nick Gohar, Abdul Hussein. (1371). *Principles of Sociology*. Tehran: Totia Publishing.
64. Noiman, Franz and Marcuse, Herbert. (2011). *A new Analysis of Freedom*. Second edition. Translated by: Ezzatullah Fooladvand. Tehran: Kharazmi Publishing Company.
65. Navabakhsh, Mehrdad. (1385). "Investigating the concept of city and citizenship from the perspective of sociology". *Journal of Sociology*, No. 5. pp. 11-30.
66. Waqidi, Muhammad ibn Saad. (1374). *Al-Tabaqat*, Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran: Culture and Thought.
67. Wolfson, Henry Ostrin. (1368). *Philosophy of Theology*. Tehran: Al -Huda.